

## کندوکاوی در روابط اجتماعی موسیقی ایرانی

# خیره در شرق زیبایی

حمید سعیدی



در جهان امروز همه مناسبات سیاسی، اقتصادی و علمی ضمن توجه به نقش بی بدیل جغرافیا از جهتی به مقوله تبلیغات، مذهب، هنر و ادبیات، کنش های اجتماعی و در یک کلام فرهنگ ختم می شود. شاید انسان های قرن حاضر (بهتر است یگویم تصمیم گیرندگان سیاسی و طراحان اصلی جامعه جهانی) به شدت به نقش فرهنگ برای پیشبرد اهداف خود و احاطه اقتصادی و سیاسی بر دیگر کشورها و استانها آگاه بوده و در این زمینه سرمایه گذاری های هنگفت می کنند.

در بررسی آثار و نوع نگرش موسیقیدانان ایرانی در ۲۸ سال گذشته تغییراتی گاه بطئی و گاه پرشانت در همه شاخه های موسیقی به چشم می خورد که متأسفانه به جز در موارد اندکی گواهی بر رشد و رونق فرهنگ موسیقی در جامعه نیست، هر چند وقوع انقلاب اسلامی - جنگ و پیامدهایش گسترش وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی و بستری بسیار مناسب و رؤیایی برای یافتن سوز و خلق آثار برای همه هنرمندان از جمله موسیقیدانان فراهم می آورد.

شناخت هر پدیده هنری منوط به بررسی عوامل تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن پدیده است. برای مثال بدون شناخت اکسیرسیونیسم و امپرسیونیسم یا بدون اطلاع از تحولات اجتماعی و سیاسی اروپا در قرن بیستم، چگونه آثار سلاوودر دالی را ارزش گذاری کنیم؟ و چرا راوی شناکار در دنیا چنین اعتباری به دست آورد؟ در عبارت دیگر برای اثبات یا نفی ارزش یک پدیده هنری چاره ای نیست جز اینکه الف) آن را بپذیریم حتی اگر دوست نداشته باشیم و ب) علل پیدایش آن را جست و جو کنیم.

لازم به ذکر است نوشتار پیش رو به تعاریف انواع موسیقی نمی پردازد چرا که برای خوانندگان علاقه مند، تعاریف، به صورت جملات کوتاه و بلند در مد دستی ترین کتابها و پاراگراف های کوچک و بزرگ در معمولی ترین سیاستهای موسیقی قابل دسترسی است، در عوض می گویند از منظری دیگر به این پدیده نگاه کند و بیش از هر چیز به طرح سؤال بپردازد با این امید که پاسخ خوانندگان چرایی در این مسیر بفریزد و در پایان تنی چند از افراد و گروههایی که از منظر این نوشتار نسلی نوین از موسیقیدانان ایرانی محسوب می شوند را معرفی کند.

### تکنولوژی و موسیقی

کشف قوانین و امکانات دنیای خارج از انسان، آگاهی نویسی از آنچه زندگی می تواند باشد را فراهم می آورد و بدین ترتیب تغییراتی در روان و زندگی درونی انسان به دنبال دارد. وقتی درمی یابیم با همکاری همنوعانم می توانیم اعمالی دیگر را در دنیای خارج انجام دهیم، موجبات شناخت جدیدی از خویشنت خویش را به وجود آورده ایم. نشان دادن این دگرگونی های زندگی درونی آدمیان و اینکه انسان آزاد در جوامع مختلف در تعامل با دیگر انسانها چه مفهومی دارد از وظایف خاصی هنر است.

موسیقی فقط در اثر آشنی یک صدا از بی صدایی دیگر ساخته نمی شود، بلکه گونه ای از توالی صداهاست که گوش بتواند آن را به صورت یک کل درک یابد. عبارت های موزون و حتی ناموزون موسیقی حالت های ذهنی خاصی را در آدمی برمی انگیزد و موجب پیدایش تصاویری می شود که این تصاویر اندیشه ها را مجسم می سازند. ناگفته پیداست این اندیشه ها از نوع تفکراتی نیستند که در سالات علمی یافت می شود، بلکه اظهار نظرهای شخصی و کمالات انزاعی در مورد جامعه و تفسیر معنای زندگی در مکار و زمان مشخصی هستند. این اندیشه ها تغییرات، حساسیت و مکار و انسان را توانایی های خویش نسبت به دگرگون شدن دنیای خارج را در برمی گیرد.

به دگرگونی امکانات، قوانین محیط زندگی بشر در ۱۰۰ سال گذشته دقت کنید:

دارونیمس، فریویدیسیم، کشف DNA، کشف نرون های آبینی، آ همانند سازی، رنسانس، تکنولوژی، سفر به کرکات دیگر، ماهواره، کامپیوتر، فلسفه شرق و غرب، امپریالیسم، کمونیسم، دموکراسی، توریسیم ...

آیا مفاهیم اساسی زندگی همچون آزادی، امنیت، آرامش، عشق، و برانگیختگی، تأثیرپذیری و ... در نزد انسان تغییر نکرده است؟ آیا نیازها، اندیشه ها و احساسات خود ما همانند نیازها، اندیشه ها و احساسات فقط ۱۰ سال پیش ماست؟ اکنون در این زمان و در این مکان آیا موسیقی می تواند تحت تأثیر این عوامل قرار بگیرد و با ابزار پیشینش خویش می تواند اندیشه و حس خود بپردازد و دگرگونی ها و توانایی های خود را به دیگران نمایشاند؟ و از همه مهمتر چگونه می تواند مشكلات، مسائل زیبایی های فرهنگ جامعه اش را نشان دهد و در عین حال هویت خویش را ز دست ندهد و به آشنایی مسخ و بی ریشه تبدیل نشود؟ و برای یافتن این چگونگی چاره ای جز پرداختن به تجربه های جدید می توان یافت؟

**آموزش و موسیقی**  
برای تعریف فرهنگ در همه دایرة المعارف ها از واژه آموزش استفاده شده است. به عبارت دیگر تعریف و تبیین فرهنگ بدون پرداختن به مقوله آموزش مفهومی گنگ و غیر قابل دسترسی به نظر می رسد. از سویی آموزش، مجموعه واکنش هایی است که انسان نسبت به کنش های مستقیم و غیرمستقیم محیط زندگی خود نشان می دهد.

برای مثال ممکن است ما به صورت مستقیم پیاموزیم که آب در ۱۰۰ درجه سانتیگراد می جوشد یا چگونه برای کامپیوتر برنامه ای نویسیم و ... یا به صورت غیرمستقیم بدانییم که سرخی فلز سوزاننده است و بدون اینکه قبلاً تجربه کرده باشیم به آن دست نزنیم. در مورد هر موضوع چندینده به نظر می رسد چرا که از سویی هنرمند در مسیر آموزش مستقیم با گفاهه جموعه عوامل هنری شناخته شده توسط گذشتگان خویش قرار گرفته و معنی های زیبایی شناسی را می آموزد از سوس دیگر غیرمستقیم در معرض آموزش ناخودآگاه از محیط زندگی و جامعه قرار می گیرد.

در زمان ما در هر دو حیطه آموزش هنر تغییرات بنیادیه به چشم می خورد. از سویی وسعت عوامل آموزشی مستقیم است. اسناد، کتاب و جزوه گرفته تا رایوی، تکنولوژی و اینترنت گسترش است و از سویی دیگر به خاطر تغییر در روش زندگیمن، تحت تأثیر عوامل جدید و ناشناخته در آموزش مستقیم قرار داریم. اما تاد سال پیش با وجود نداشتن و یا مقبول همگان نبودند ولی امروزه حامل انرژی و پیامی بیش و بی منتفاوت و ملی مفهومی هستند. می توان آنها را از صدای تملفن، بیوق اتومبیل و انرژی آمیولانس در انظار گرفت تا صدای روشن و خاموشی کردن کامیوترمان و انظار موسیقی که خواسته تا باخواسته از وسایل ارتباط جمعی می شومیم حتی صدای رنگ در منزلت نام که برای گریز از چنین تأثیری به جز صفعات ارتباطی با دنیای خارج از ما و یا بازگشت به نوع زندگی گذشتگانمان چاره ای به نظر نمی آید.

شاید در ۱۰۰ سال پیش توالی فواصل تاخیره به گوش موسیقیدان غیرعربی به شدت آزاردهنده بوده است ولی در حال حاضر حتی برای سنتی ترین موسیقیدانان، اگر این فواصل پذیرفته شده و قابل استفاده نباشد حداقل آزاردهنده نیست. برای موسیقی افرادی که اجتماعی است. هنرمند برای مدتی آمیختن نت ها و ساخت موسیقی مصالح آشنا و جاری در زندگی را برمی گیرد و در قالب های متفاوتی جای می دهد تا

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلی (مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن) غزل افق از حافظ، در بحر هزج شش و دو نیم جمله ریتیمیک ۴ میزانی تشکیل گردیده که این فرم تا به آخر، با اندکی واریاسیون به همین صورت ادامه می یابد. اما بسط و گسترش همین بحر با تکرار رکن مفاعیلن در قلمعه زمستان از مهدی اخوان ثالث اینگونه به چشم می خورد. سلامت را نمی خواهدد پاسخ گفت، سرها در گریبان است، (مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن) کسی سر بر نخواهد کرد، پاسخ گفتن و دیدار یاران را شده و مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن) نگره جز پیش یا را دیدن تواند (مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن) که ره تارنگ و لغزان است. (مفاعیلن، مفاعیلن)

در شعر فوق به لحاظ بافت و قالب و در نگاه اول، مساوی نبودن ارکان عروضی، عدم تقارن، گریز از قافیه و البته موزون بودن هر مصرع به چشم می خورد و مهمتر اینکه شاعر به لحاظ آفق دید و محتوا منطقی کاملاً بودید و را به خواننده می نمایاند که از هر جنبه با نمونه اول تغییرات و اختلافاتی فاحش دارد.

جالب این که این حرکت در ادبیات در اندک زمانی پس از نیما از اشعار موسوم به نیمائی مانند نمونه بالا به شعر سفید، شعر سیاه و موج نو گردید پس آنی که کند که در آنها پایبندی به وزن و اصول ریتیمیک و ارکان عروضی در بافت و قالب اساساً مورد توجه واقع نشده و محتوا وجه اصلی شعر را در بر می گیرد.

با توجه به مجموعه این مطالب عجیب نیست اگر در موسیقی نیز شاهد تغییرات گسترده در ساختار، فرم ریم و جمله بندی ملودی ها بوده و همچنین در زمینه محتوا با اق های جدید و حتی متعارف نسبت به گذشته موسیقی ایران برخورد کنیم.

### اقتصاد و موسیقی

اقتصاد یکی از مهمترین عواملی است که باعث رشد و شکوفایی هنر می شود. در طول تاریخ و در همه کشورها هرگاه به اثر هنری برجسته ای برخورد می کنیم حامیان مالی قدرتمندی چون جریان های مذهبی یا سیاسی یا دربار باعث آن بوده اند. در قرن حاضر اقتصاد هنر مسیری تازه را می پوید. بهبود اوضاع زندگی مردم و ثروت جوامع پیشرفته باعث شده هنرمند از گران زندگی از قید سیاست رها شده و بیشتر به مخاطبانش تکیه کند؛ مخاطبانی که هزینه کردن برای فرهنگ را در سبب اقتصادی خانواده شان ضروری می دانند. در همین راستا وضع قانون کپی رایت و دیگر قوانین حقوقی از قبیل محافظت های کلان مالیاتی برای تشویق صنایع برای سرمایه گذاری در هنر و ورزش نشان از کمک دولتمردان برای استقلال و رشد هنرمند دارد. به علاوه استفاده همه جانبه از موسیقی برای جلب و راضی نگه داشتن مشتری در رستوران ها، فروشگاه ها، آسانسورها، تلفن های همراه و ... همچنین رادیو و تلویزیون باعث امنیت مالی و شغلی موسیقیدانان خلاق گشته که دلیل عمده پویایی و رشد همه جانبه موسیقی در جوامع غربی است.

تولیدات موسیقی طبق آمار گرفته شده از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی که تنها مراجع برای اخذ مجوز برای تمامی فعالیت های موسیقی هستند در زمینه سنتی، نواحی، پاپ ایرانی، کلاسیک ایرانی، تلفیقی، موسیقی فیلم، موسیقی مدرن و موسیقی کودکان به شرح زیر است:

در زمینه کنسرت و اجرای صحنه ای آمار مشخصی تا سال ۱۳۸۰ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موجود نیست، در فاصله سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ آمار به شرح زیر است:  
۱۰ دوره جشنواره جوان، ۷ دوره جشنواره بانوان، ۱۰ دوره جشنواره ذکر انجمن و آثار ۶ دوره جشنواره نواحی ایران را اضافه کرد.  
طبق آمار فوق در سال ۲۸ آمار گذشته به طور متوسط در هر سال ۱۱۴/۵ عنوان آلبوم موسیقی اعم از سنتی، پاپ، کلاسیک ایرانی، نواحی، محلی، تلفیقی، موسیقی فیلم و موسیقی کودک، در ایران منتشر شده است که قسمت عمده این آلبوم ها مربوط به موسیقیدانان تک آلبومی است. براساس آمار، در انجمن و خانه موسیقی ایران هفت هزار نفر موسیقیدان نام کرده اند که شواهد حاکی از آن است که عمده تشکلات این نوع عنوانی ناهادهای نیستند. یعنی طبق سرشماری سال ۸۳ تا ۹۰۰۰۰ درصد از جمعیت ۷۵ میلیونی ایران.

اگر این اعداد را مینا قرار داده و همچنین برای تولید هر آلبوم به صورت متوسط ۶ موزیسین مشارکت داشته باشند در مجموع، آهنگسازان - نوازندگان و خوانندگان در تمام موسیقی سنتی، پاپ، محلی، فیلم، کودکان و ... در تمام نواحی ایران و به طور متوسط در هر سال امکان مشارکت در انتشار فقط ۹۰۸ - آلبوم را داشته اند یعنی تقریباً ۱۰ هزار نفر از کل آلبوم همچنین اگر همه کنسرت های گروهی گرفته و اجرا شده فرض کنیم در سال های ۸۲ - ۱۳۸۰ به طور متوسط در هر سال ۶۵۳/۷۵ کنسرت اجرا شده است. اگر برای هر کنسرت ۶ موزیسین مشارکت داشته باشند مجموعه موسیقیدانان ایرانی در تمامی رشته ها به طور متوسط در هر سال امکان اجرای ۵۱۶۰ کنسرت را دارند. یعنی تقریباً در هر دو سال یک کنسرت!

همچنین اگر فرض کنیم ۱۰۰ نفر شرکت کننده داشته باشد هر موزیسین در هر سال به طور متوسط امکان ۳۷ بار حضور در جشنواره را دارد. یعنی هر ۳۷ سال یک جشنواره! بدین اعداد آمار افق فوق دقیق نیستند ولی با اندکی اغیاضت بازر موسیقی در ایران را روشن می سازد. توجه به زیبایی شناسی در فرهنگ های دیگر - استفاده بگفته از امکانات موجود و کوچک کردن گروه ها تا حد امکان هزینه برداری از موسیقی ملل مختلف - توجه به ریتیم و حرکت جهت تأثیرگذاری بیشتر و آسان تر بر شنونده - عدم تأکید بر قسمت های سنگین موسیقی محلی و سنتی و همچنین خلق فرم های جدید در آنها جهت جذب هر چه بیشتر مخاطبان خاصه ایرانی را به منظور گسترش بازر موسیقی، تأثیر مسیر موسیقیدانان ایرانی بسیار مؤثر بوده است. در آخر، دگر تشکیل کانون آموزش گروه های چون عارف، شیدا و دختر و همچنین آثار حسین علیزاده و کیهان کلهر در موسیقی سنتی، ظهور اردوان کامکار، کیوان ساکت، آویزه و ... در موسیقی تلفیقی (باسید) در موسیقی کلاسیک غربی و گروه موسیقی بوشر (پدیده شیشه زاده) در موسیقی محلی مؤید به وجود آمدن نسل نوینی از موسیقی و موسیقیدان ایرانی در ۳۰ سال گذشته است.

### آمار مرکز سرود و آهنگ های انقلابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سال	تعداد آلبوم های منتشر شده	سال	تعداد آلبوم های منتشر شده
۱۳۵۸	۰	۱۳۷۱	۵۶
۱۳۵۹	۰	۱۳۷۲	۱۲۷
۱۳۶۰	۰	۱۳۷۳	۱۱۲
۱۳۶۱	۱۸	۱۳۷۴	۱۱۴
۱۳۶۲	۴۸	۱۳۷۵	۶۳
۱۳۶۳	۵۱	۱۳۷۶	۲۰۹
۱۳۶۴	۶۶	۱۳۷۷	۲۳۲
۱۳۶۵	۲۱	۱۳۷۸	۲۰۷
۱۳۶۶	۲۰	۱۳۷۹	۲۱۵
۱۳۶۷	۶۴	۱۳۸۰	۲۳۱
۱۳۶۸	۷۵	۱۳۸۱	۲۲۹
۱۳۶۹	۶۵	۱۳۸۲	۲۱۶
۱۳۷۰	۱۰۳	۱۳۸۳	۳۰۹
		جمع کل	۲۹۷۲ عنوان

### آمار تولیدات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

سال	تعداد آلبوم های منتشر شده
دهه ۶۰	۵
دهه ۷۰	۵۶
۸۲-۱۳۸۰	۱۱۳
جمع کل	۲۳۴ عنوان

### آمار کنسرت های مجوز گرفته از وزارت ارشاد

سال	تعداد مجوزهای صادر شده برای اجرای صحنه ای
۱۳۸۰	۱۰۲۵
۱۳۸۱	۳۷۷
۱۳۸۲	۸۸۱
۱۳۸۳	۳۷۹
جمع کل	۲۵۸۲ اجرا

### آمار کنسرت های برگزار شده در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

سال	تعداد مجوزهای صادر شده برای اجرای صحنه ای
۷۸-۱۳۷۸	۲۸
۱۳۷۸-۸۰	۲۰
۸۲-۱۳۸۰	۳۳
جمع کل	۹۱ اجرا

**طبق آمار فوق در ۲۸ سال گذشته به طور متوسط در هر سال ۱۱۴/۵ عنوان آلبوم موسیقی اعم از سنتی، پاپ، کلاسیک ایرانی، نواحی، محلی، تلفیقی، موسیقی فیلم و موسیقی کودک، در ایران منتشر شده است که قسمت عمده این آلبوم ها مربوط به موسیقیدانان تک آلبومی است.**

سال گذشته برخورد می کنیم که هر کدام از این کلمات بیانگر اختراع و ابزاری نوین در زمان خویش هستند. در دنیای غرب و در زمان ما متخصصان و گروه های متفاوت اساساً موسیقی خود را تبدیل به بیانه های سیاسی اجتماعی یا واژه های کاملاً معاوداره ای می کنند. از سوس دیگر ترانه های محلی و ملودی های مردمی ریتیم، تمپو و سرعت صحبت اثر ملث خصوصاً در آرمکنس می کنند و این دو سیم و مهمترین دلیل پیوستگی زبان و موسیقی است. این ریتیم ها و تکیه ها به مرور زمان وارد موسیقی فولک و از آنجا به موسیقی هایی جدی تر وارد می شوند و سرشت موسیقی اقوام مختلف و متفاوت را پایه می نهد. این سرشت همان چیزی است که در فواصل موسیقی چیزی است که به شایسته مانند سازور و ماهور موسیقی چایکوفسکی را رومس، وردی را ایتالیایی، چارلز آیوز را آمریکایی و البته درویش خان را ایرانی به گوش می رساند. سوسین دلیل پیوستگی زبان و موسیقی را می توان در ادبیات جست و جو کرد. تأثیر ادبیات بر موسیقیدانان ایرانی بسیار مؤثر بوده است. در آخر، دگر تشکیل کانون آموزش گروه های چون عارف، شیدا و دختر و همچنین آثار حسین علیزاده و کیهان کلهر در موسیقی سنتی، ظهور اردوان کامکار، کیوان ساکت، آویزه و ... در موسیقی تلفیقی (باسید) در موسیقی کلاسیک غربی و گروه موسیقی بوشر (پدیده شیشه زاده) در موسیقی محلی مؤید به وجود آمدن نسل نوینی از موسیقی و موسیقیدان ایرانی در ۳۰ سال گذشته است.